



معاون پارلمانی وزیر کشور دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کرد

احمدی‌نژاد رکورددار برکناری استاندار در ۳۰ سال گذشته



اعظم ویسمه

هیات وزیران در آخر آذر در فاصله هفت ماه تا پایان کار دولت دهم؛ مصوبه‌ای را گذراند که طبق آن اختیار استخدام ۱۵۰۰ نفر به معاون اجرایی رئیس‌جمهوری داده می‌شود. در همین روز دولت مصوبه مشابهی تحت عنوان «مهر آفرین» مبنی بر مجوز استخدام به استانداران تصویب کرد که به گفته «محمدرضا خباز» عضو هیات تطبیق مصوبات دولت با قوانین، طبق پیوست‌های این مصوبه هر استاندار اختیار تام می‌یابد که حدود ۴هزار نفر را به تشخیص خود به استخدام دولت در بیاورد. «احمد توکلی» از چهره‌های شاخص و منتقد جدی دولت در مجلس گفته «تصمیم اخیر دولت انفجار یک چمدان «تی‌ان‌تی» در نظام اداری کشور است.» مجید امیدی شهرکی، مدیر کل امنیتی، سیاسی نهاد ریاست‌جمهوری تاکید کرده جنجال‌های به وجود آمده بر سر این مصوبه به نوعی بداخلاقی سیاسی است. این خبر در کنار اخبار مربوط به برکناری و جابه‌جایی استانداران و فرمانداران موجب شد تا گفت‌وگویی با سید محمود میرلوحی، معاون پارلمانی وزیر کشور دولت اصلاحات و استاندار اسبق سمنان داشته باشیم.

■ باتوجه به حاشیه‌هایی در دولت نهم و دهم پیرامون استانداران در خصوص جابه‌جایی و برکناری‌ها بنشان و اختیاراتی که الان برای استخدام ۴هزار نیرو به استانداران داده شده، به اعتقاد شما جایگاه استانداران و فرمانداران در نظام سیاسی و دولت کجاست؟

ایسن دولت، دولتی خود معیار است، با معیارهایی که در کتب مدیریت یا تجربه مدیریت در حدی که بنده مطالعه و تجربه کردم و از سایر دوستان دیدم، تطابق ندارد و کمتر می‌شود ردپایی از رفتارها و اقداماتی که در این دولت انجام می‌شود را در آن‌ها پیدا کرد. معیارهای این دولت را باید با خودش سنجد و سنجش و میزانش باید خودش‌ان باشند. در مدیریت هفت اصل را مطرح می‌کنند و می‌گویند این‌ها به‌عنوان اصول مدیریت هستند. اصل برنامهریزی، سازماندهی، کنترل، هماهنگی و نهایتاً بودجه‌است این اصول را هر مدیری باید چه در رفتار یک سازمان کوچک و چه در سطح ملی و یک نظام سیاسی رعایت کند. دولت به‌عنوان قوه اجرایی کشور طبیعتاً نسبت به اجرای این اصول باید پیشروتر باشد و اگر رعایت نشود، سازمان‌ها و دولت‌ها فرام خوبی نخواهند داشت.

■ به‌اعتقاد شما در حال حاضر از این اصول مدیریتی پیروی می‌شود؟

آنچه در این دوره شاهدش هستیم، نوعی درهم‌ریختگی در نظام مدیریتی کشور است که طبیعتاً وزارت کشور و استانداری‌ها به جهت اینکه حوزه سیاسی دولت و شاید سیاسی‌ترین بخش دولت را تشکیل می‌دهند، معمولاً در این مباحث بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. آنچه من در فضای فعلی کشور در استان‌های مختلف برآورد و بررسی کرده و دیدم‌ام این است که معدل تغییرات استانداران در دوره آقای احمدی‌نژاد چهار استاندار است.

■ در هر استان چهار استاندار؟

بله ما در کل دولت‌ها از اول انقلاب تا آخر دولت آقای خاتمی که مجمع استانداران را تشکیل دادیم و بنده هم در هیأت‌رییسه آن عضو بودم، ۲۰۰ نفر کل استانداران تا آخر دولت آقای خاتمی و قبل از آقای احمدی‌نژاد است. می‌توان گفت به‌طور میانگین هر دولتی (دولت بازرگان، دولت موسوی، دولت هاشمی و دولت خاتمی) ۵۰ استاندار را به نصب کرده است ولی در دولت آقای احمدی‌نژاد این رقم به ۱۲۰ نفر رسیده است. یعنی دولت احمدی‌نژاد رکورددار تغییر و تحولات گسترده استانداران به اندازه چهاردولت قبل از خود بوده است. اگر این تغییرات گسترده را مثلاً در ایلام، قم، خراسان شمالی که شش استاندار در دوره آقای احمدی‌نژاد منصوب شده در کنار آن رفتاری که با مدیران قبلی شده بگیریم با هیچ اصولی نمی‌خواند.

■ تغییرات مدیران دولت قبل به دلیل تفاوت نگاه سیاسی میان دولت‌ها بوده و شاید طبیعی‌باشد.

کلا مدیران قبلی را حذف کردند. طبیعتاً انتظار این بود که این‌ها کسفی را بیاورند که فاقد آن نواقصی که مدعی هستند باشند ولی متأسفانه شما می‌بینید که خودشان باافلاصل بعد از یک مدت کوتاه با چه مباحثی، به چه نجوی مدیران و منصوبان خود را کنار گذاشتند و تغییراتی را در دولت انجام دادند. از وزیری که در حال مذاکره با یک رئیس‌جمهور خارجی بود تا وزیری که در جلسه وزارتخانه خودش در حال برگزاری سمینار بود تا استانداری که در جلسه بودند، همه به شیوه بدی کنار گذاشته شدند. مثلاً در ژاپن به هر حال کارشناسان مرتب دارند تحلیل می‌کنند که علت موفقیت‌های ژاپن چیست؟ علت اینکه در ژاپن این ثبات و استقرار هست، یکی استخدام مادام‌العمر در شرکت‌ها و دستگاه‌است. در دنیای امروز همان‌طور که تغییر و تحول خیلی مورد توجه است و هر سامانی و ساختاری اگر متوقف شود و تحول را نپذیرد محکوم به عقب‌گرد است، می‌ثباتی در ساختار، سازمان را از بین برده و امید و فرصت برنامهریزی را می‌گیرد. **■ با توجه به اینکه تغییرات در استانداری‌ها و فرمانداری‌ها بیشتر در آستانه هر**

انتخابات صورت گرفته چقدر شائبه انتخاباتی بودن این تصمیمات قوت می‌گیرد؟

در کشورهای مختلف از جمله افغانستان قوانین اساسی این‌گونه است که تغییرات قانون را قبل از انتخابات منع می‌کند. مثلاً تغییر قانون انتخابات تا دو سال قبل از برگزاری انتخابات ممنوع است. در ایران متأسفانه ما این قانون را نداریم و همچنان شاهد تغییرات هستیم. در دولت اصلاحات بحث‌های زیادی در این خصوص داشتیم. از جمله در دولت اصلاحات لایحه‌ای را در مورد انتخابات آرایه دادیم و معتقد هستیم که نواقص انتخاباتی ما متأسفانه فراوان است. با این حال در دولت اصلاحات رویه‌ای بود که تغییر و تحولات در حوزه وزارت کشور یکسال قبل از انتخابات ممنوع می‌شد. من خودم به‌عنوان معاون پارلمانی وزارت‌کشور شاهد این پخشنامه‌ها به صورت یک رویه و یک رسم همیشگی بودم. تغییرات از جمله تغییر مدیران، استانداران و فرمانداران حدود یک‌سال قبل از انتخابات به‌شدت محدود می‌شد و فقط منحصر به موارد اضطراری خاص و غیرقابل پیش‌بینی مانند فوت یک استاندار بود ولی از نظر سیاسی و به‌دلیل تغییر موضع و مخالفت با موافقت با کسی جابه‌جایی و تغییر در وزارت کشور و استانداری‌ها نداشتیم. بنابراین این تغییراتی که الان شنیده می‌شود و در حال انجام است چون سابقه نداشته طبیعتاً شائبه سیاسی و انتخاباتی بودن این تصمیمات را مطرح می‌کند.

■ فکر می‌کنید با توجه به این تمرکز که آقای احمدی‌نژاد در بحث استانداری‌ها دارند، اختیارات استانداری‌ها به همان اندازه بیشتر شده یا نسبت به دوره‌های گذشته محدودتر شده‌اند؟

این بحث مستلزم این است که من اشاره کنم که ما در مقایسه با بسیاری از کشورهای دنیا مثلاً هندوستان، سوئیس یا کانادا سیستم‌شان خیلی متمرکز است. آن‌ها سیستم‌های لیبرال‌تری دارند و اختیارات کافی به مناطقشان داده‌اند ولی متأسفانه ما ساختار سیاسی‌مان خیلی تمرکزگراست. از طرف دیگر بودجه‌مان هم مبتنی بر نفت و کمتر مبتنی بر مالیات است. این هم مزید بر علت شده که تقریباً همه اختیارات و تصمیمات در تهران گرفته می‌شود. به‌همین دلیل می‌بینید همواره استان‌ها برای اینکه یک سهمی از بودجه یا از مدیریت بگیرند، همه برای مجنوب شدن به مرکز تالش می‌کنند.

■ در این زمینه در دولت گذشته تلاشی صورت گرفت؟

شاید قانون شوراها و انتخابات شوراها می‌توانست یک معبری برای کاهش این تمرکز باشد که این هم متأسفانه در دولت نهم و بعد از آن تا حد زیادی دچار تنزل شده و واگذاری اختیارات متوقف شد. با مثلاً اصل ۴۴ می‌توانست یک رویه‌ای باشد که یک مقراری از این تمرکز را کاهش دهد که آن هم شما شاهد هستید که با واگذاری‌ها به شبه دولتی‌ها و امثال اینها تقریباً اتفاق قابل‌توجهی در اجرای این قانون نیفتاد. همه این‌ها باعث می‌شود که ما نگاه مجددی به ساختار و به‌خصوص موضوع تنفیذ اختیارات



آقای احمدی‌نژاد با شعار اینکه می‌خواهد اختیارات به استان‌ها و استانداران بدهد بسیاری از اختیارات استان‌ها و مناطق را متأسفانه در مرکز متمرکز کرد. به‌خصوص با سفرهای استانی.



بکنیم. در دولت‌های قبل هم این مباحث مطرح بود. من برآورد و تحلیل این است که دادن اختیارات به استانداران در دولت‌های قبلی از جمله دولت اصلاحات خیلی بیشتر بود. رئیس دولت اصلاحات اقداماتی انجام می‌دادند که نشان می‌داد توجهشان به مناطق است. یکی اینکه استانداران را به دولت آورده و سهم قابل‌توجهی از کرسی‌های دولت را به استانداران دادند. این باعث شد وزیری که سابقه استانداری داشتند نگاهشان به استان‌ها تقویت شد. به‌صورت سنتی هم استانداران تقریباً اختیارات قابل‌توجهی داشتند. به‌طور مثال در شورای تأمین استان گرچه نیروهای مسلح باید حضور داشته باشند ولی تصمیم و تصویب این تصمیمات با استاندار است. من برآورد این است که آقای احمدی‌نژاد با شعار اینکه می‌خواهد اختیارات به استان‌ها و استانداران بدهد بسیاری از اختیارات استان‌ها و مناطق را متأسفانه در مرکز متمرکز کرد. به‌خصوص با سفرهای استانی.

■ سفرهای استانی چه تأثیری در محدودیت اختیارات استانداران داشت؟

سفرهای استانی در واقع به‌نحوی می‌توان گفت که اختیارات شوراهای برنامهریزی را ملاحظه می‌کنید. از جهت کیفیت تحصیلی و از جهت تخصصی هم افراد جدید مطمئناً داه شده بود را تعطیل کرد. در بحث طرح‌های ملی عموماً دولت موظف شده بود این‌ها را به استان‌ها واگذار کند مگر موارد خاص. احمدی‌نژاد در دولت خود همه این موارد را تحت‌عنوان مصوبات دولت در استان‌ها پاس گرفت.

اگر مروری بر مصوبات استانی داشته باشید، می‌بینید دادن یک ماشین‌ولت به فلان کمیته امداد فلان شهرستان هم جزو مصوبات است. دیگر اختیاری برای استاندار و شورای برنامهریزی استان نمی‌ماند در این دولت در واقع استاندار بیشتر مجری تصمیماتی بوده که در جلسات استانی دولت مطرح می‌شده. بنابراین من معتقدم اختیارات استانداران در

کافه سیاست

واکنش

واکنش وزیر کشور به‌تغییر استانداران در سال جاری

- ۱۷ آتیر ۹۱**، در آیین تودیع و معارفه استاندار خراسان‌شمالی:

دولت در تغییر استانداران مصالح نظام را مورد توجه قرار داد و با این تغییر و تحول‌ها به دنبال منافع مردم است.

- ۱۳ شهریور ۹۱**، در مراسم تودیع و معارفه استاندار گیلان:

تغییرات استانداران به معنای کم‌کاری استانداران قبلی نیست بلکه دولت رویکرد جدیدی برای استانداران جدید دارد. قرار نیست تمام استانداری‌که در همین مدت کوتاه از فعالیت دولت دهم انتخاب می‌شوند، بلافاصله با روی کار آمدن دولت بعدی تغییر یابند بنابراین استفاده از حتی یک لحظه از زمان برای دولت ارزشمند و مهم است.

- ۱۴ شهریور ۹۱**، در بازدید از پروژه بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی شهر یاسوج:

دولت با مطالعه استانداران را تغییر می‌دهد و این کار بیشتر در راستای پیشرفت پروژه‌ها بوده و هیچ‌گونه سیاسی‌کاری در تغییر استانداران نداشتیم. دولت با توجه به مطالعاتی که دارد برنامه‌هایی که برای توسعه و تعالی این کشور است دست به تغییر استانداران می‌زند. دولت این تغییر‌ها و جابه‌جایی‌ها را انجام می‌دهد تا سرعت کار‌ها بیشتر شده و حرکت مناسب‌تری در شتاب بخشیدن به کار‌ها داشته باشیم. هر وقت و هر کجا لازم باشد جابه‌جایی و تغییرات را انجام می‌دهیم. اصلاً این حرف‌ها که دولت با رویکرد سیاسی استانداران را تغییر می‌دهد، معنا ندارد و این کار‌ها تنها براساس تصمیمات کارشناسی است.

- ۱۸ شهریور ۹۱**، در حاشیه مراسم معارفه استاندار اردبیل:

تغییر استانداران براساس برنامه

گذشته در حوزه امنیتی، بودجه، عزل و نصب مدیران بیشتر بود.

در این دولت متأسفانه عزل و نصب مدیران خیلی عریان شده است. در گذشته استانداران در عزل و نصب مدیران اختیار کافی داشتند. اگر جایی یک استانداری با تصمیم وزیر مربوطه برای تغییر مدیرش موافقت نمی‌کرد این اختلاف باید در حضور معاون اول رئیس‌جمهوری و وزیر کشور در یک جلسه سه‌جانبه‌ای بررسی می‌شد، یعنی چنین جایگاهی برای استانداران قایل شده بودند. به نظر می‌آید در این دولت استانداری‌ها خیلی تضعیف شدند و به تبع آن وزارت کشور هم تضعیف شده است. امروز اوضاع به‌نحوی است که آقای وزیر در گیلان در معارفه استاندار جدید اعلام می‌کند که رئیس‌جمهوری چنین تشخیصی دادند و در واقع دلیل نصب و عزل را اعلام می‌کنند. در حالی که در گذشته اینگونه نبود.

■ در بسیاری از موارد نمایندگان به این عزل و نصب‌ها متعترض می‌شوند و گاهی بحث استیضاح وزیر را مطرح می‌کنند، آیا می‌شود از وزیر قبول کرد که دلیل این تغییرات نظر رئیس‌جمهوری است و وزیر را تبرئه کرد؟

در دولت گذشته وقتی یک وزیری نصب می‌شد اگر آقای رئیس‌جمهوری در انتخاب یک وزیر ملاحظات لازم را دقت نکرده بود باید پاسخ می‌داد ولی وقتی یک وزیری را انتخاب می‌کرد، باید شواوتات این جایگاه رعایت می‌شد. این رفتاری که امروز در حوزه مدیریتی دیده می‌شود، خیلی پرهزینه است. چون رشته تحصیلی من بوده است و مطالعات قابل ملاحظه‌ای دراین بخش‌ها داشتم خیلی لطمه به ساختار مدیریتی کشور می‌زند. اخیراً یکی از وزرای سابق در گیلان در یک جلسه‌ای از قول وزرا گفته بود: «وزرا هر لحظه منتظرند ببینند نوبت رفتن کدام‌شان است.» طرح این مباحث نشان می‌دهد که چطور به ساختار و امکانات مدیریتی کشور ضربه وارد می‌شود. استاندار هم همین احساس را دارد. بنده اگر در دوره‌ای که استاندار بودم از وزارت کشور دستور می‌دادند این فرماندار بشود و این نشود همان موقع من مسوولیت‌م را ترک می‌کردم اما هیچ‌وقت در وزارت کشور آن زمان چنین رویه‌ای نبود.

■ گویا در بحث طرح مهر آفرین به هر استاندار اختیار دادند که حدود ۴ هزار نفر را به استخدام دولت بیاورند. آقای توکلی از این طرح به‌عنوان انفجار یک چمدان تی‌ان‌تی در نظام اداری کشور یاد کردند، از سوی دیگر گفته شده احمدی‌نژاد سعی دارد با این استخدام‌ها به وعده ایجاد ۲۵/۵میلیون فرصت شغلی در سال آخر دولت عمل کند. تحلیل‌تان چیست؟

چند روز پیش از تلویزیون شبکه بارز دو نکته شنیدم که واقعاً قابل تامل بود. از قول مرکز پژوهش‌های مجلس اعلام می‌کرد که حدود پنج هزار واحد تولیدی تعطیل شده و ۵۰هزارصد تولید کشور کاهش پیدا کرده است. من عرض کردم چون نظام آماری کشور به هم خورده این تفاوت فاحش بین ادعاهای دولت و واقعیت‌های عرصه اجرایی کشور را می‌شود حس کرد. از جمله در بحث شغل و اشتغال، از سال گذشته خصوصاً دو سال گذشته برخی کارخانجات واحدهای خصوصی دچار ریزش نیرو هستند و از این‌طرف ما می‌خواهیم ۲۵/۵میلیون شغل ایجاد کنیم. درخصوص نیروی انسانی ما یک قانونی در سال ۶۴ را نام قانون تعدیل نیروی انسانی داریم. در شرایط اول انقلاب و به هم ریخته شدن سیستم‌های اداری و مسابلی که پیش آمد دولت وقت احساس کرد که ما شعار شرط تعهد برای استخدام را بسط دادیم و گفت تخصص را باید اضافه کرد. دولت در آن زمان دولت مستقری شده و هفت سال از انحصار گذشته بود. بنابراین گفت که باید استخدام‌ها چارچوب پیدا کند و مشخصاً استخدام زیر لیسانس را منع کرد. حالا ببینید ربع قرن از آن زمان می‌گذرد، شرایط دنیا را هم که شاهدیم. بحث تحصیلات و علوم و تغییراتی که در کشور اتفاق افتاده دانشگاه‌ها و توسعه مراکز علمی را هم شاهدیم.

■ پس این تصمیم‌هایی قانونی ندارد؟

ما هم در دولت آقای خاتمی به این مساله پرداختیم و دیدیم که نیروهای دولت ریزش خواهند کرد. به‌دلیل اینکه همه با هم به شرایط بازنگستگی می‌رسند اما شما ببینید چه تحولاتی قرار است در وزارت کشور اتفاق بیفتد و دلیلی برای استخدام مجدد نیست. آن ریزش هرچه اتفاق بیفتد باز هم جای ریزش بیشتر را فراهم می‌کند. ما اصل ۴۴ را داریم. اصل عدم تمرکز را داریم. این‌ها اتفاقاتی است که باید در کشور بیفتد. ما در کشور‌های مختلف از جمله آمریکا شاهد هستیم ۲۵۰هزار نیروی فدرال دارند. شما کشورهای نفت‌خیز منطقه را بررسی کنید با اینکه پول‌های بی‌حسابی هم دارند یا کشورهای ۱۰میلیونی دنیا مثل ترکیه، آلمان، فرانسه را بررسی کنید کجا آنقدر حجم انبوه مستخدمین دولت دارند. حالا آن‌ها ساختار اقتصادی‌شان هم خصوصی است و این روش را ندارند. ما در کشور سرانه استخدای‌مان خیلی بالاست. متأسفانه اگر بررسی شود، ملاحظه می‌کنید از جهت کیفیت تحصیلی و از جهت تخصصی هم افراد جدید مطمئناً بهتر از آن ساختاری که الان نیروهای اداری دارند، نخواهند بود.

■ تبعاش برای دولت بعد چه می‌شود. چون این دولت شاه‌دیده‌گر سرکار است.
دولت‌های قبل هم که نیرو استخدام کرده بودند ما امروز همچنان داریم جوابش را می‌دهیم. در بحث رشد جمعیت دهه ۶۰ ما همچنان می‌گوییم و گفته می‌شود که پنج دوره این مساله تکرار می‌شود. سه مساله اشتغال، تحصیل و دانشگاه مربوط به دهه ۶۰ است و سه سال تکرار می‌شود. یعنی هر ۲۰ سال دوباره این‌ها تکرار می‌شود. بنابراین هر دولتی بیاید این شرایط را ایجاد کند تا سال‌ها دولت‌های بعدی باید جبران‌ش کنند.

نگاه از بیرون

مرتضی مبلغ در واکنش به طرح «مهر آفرین»:

شائبه کارگرد تبلیغاتی – انتخاباتی استخدام

در دولت نهم و دهم اخبار مربوط به استانداری‌ها و فرمانداری‌ها هر چند وقت یکبار حاشیه‌ساز می‌شود. گاهی مربوط به تغییرات گسترده، برکناری و جابه‌جایی بوده و اخیراً طرح «مهر آفرین» که به گفته رئیس کمیسیون تطبیق قوانین مجلس و احمد توکلی مجوز استخدام ۴۵۰۰ نفر را به استانداری‌های مختلف می‌دهد. سید مرتضی مبلغ، معاون سیاسی وزیر کشور دولت اصلاحات معتقد است: «اقتضائات مدیریت اقتضا می‌کند که در ماه‌های آخر عمر یک دولت، تغییرات مدیریتی انجام نپذیرد، زیرا نابسامانی‌های حاصل از تغییر مدیریت را به همراه خواهد داشت که با عزم و اراده جدی برای جمع و جور کردن کار‌ها و پایان بخشیدن به پروژه‌های ناتمام و به جا گذاشتن کارنامه قابل قبول منافات دارد.» پاسخ مبلغ به سوالات «شرق» در ادامه می‌آید:



در مناطق به ایفای نقش می‌پردازند و از جایگاه مهم و خطیری برخوردارند. آنان در مسائل سیاسی باید در راستای توسعه و تعامل سیاسی، دفاع از حقوق شهروندان، آزادی‌های اساسی، به‌ویژه آزادی بیان، ایجاد آرامش سیاسی و روانی و امنیتی برای آحاد جامعه، دفاع از حقوق اقوام و اقلیت‌ها، تقویت احزاب و نهادهای مدنی، رعایت و اجرای دقیق قوانین برگزاری انتخابات آزاد و سالم، توسعه مشارکت عمومی و امثال این‌ها اقدام کنند.

■ این شائبه مطرح است که در دولت‌های نهم و دهم اختیارات استانداران افزایش یافته است. به اعتقاد شما این موضوع درست است؟

در این دولت اصولاً واژه‌های کاهش یا افزایش اختیارات و سایر عناوین مربوط به مدیریت علمی و کار آمد فاقد موضوعیت به نظر می‌رسد. روش غالب، عمدتاً اتخاذ تصمیم‌های فردی و ضرورت اجرای آن توسط مدیران است و گرنه منجر به حذف مدیران نخواهد شد. بنابراین اصولاً موضوع اختیار به معنی درست و علمی جای خود را به گذران امور به هر نحو اجرای دستورات از بالا داده است. نه تنها اختیار استانداران که اختیار وزرا نیز کاهش یافته است.

■ جابه‌جایی و تغییرات گسترده استانداران را چطور ارزیابی می‌کنید؟ شائبه انتخاباتی بودن این تغییرات و جابه‌جایی‌ها می‌تواند وارد باشد؟

علاوه بر عقل و منطق، اقتضائات مدیریت نیز اقتضا می‌کند که در ماه‌های آخر عمر یک دولت، تغییرات مدیریتی انجام نپذیرد، زیرا نابسامانی‌های حاصل از تغییر مدیریت را به همراه خواهد داشت که با عزم و اراده جدی برای جمع و جور کردن کار‌ها و پایان بخشیدن به پروژه‌های ناتمام و به‌جا گذاشتن کارنامه قابل قبول منافات دارد.

■ در این دولت این انتقاد وارد بوده که استانداران بومی انتخاب نشده‌اند و انتخاب‌ها سیاسی بوده است و وزیر کشور نقش چندانی در این انتخاب‌ها نداشته است. تأثیر انتخاب استانداران از محل استان بر عملکرد آن‌ها چه می‌تواند باشد؟

امروز مشکل اصلی مدیریت سیاسی به بومی و غیربومی بودن برنمی‌گردد بلکه مشکل اصلی به رویکردها و سیاست‌ها و انتخاب سلیقه‌های مدیران مربوط می‌شود.

■ براساس طرح مهر آفرین به هر استاندار مجوز استخدام ۴۴هزار نفر داده شده که احمد توکلی از آن به‌عنوان انفجار یک چمدان تی‌ان‌تی در نظام اداری کشور یاد کرده است. ارزیابی شما از این طرح و تأثیر بر نظام اداری کشور چه خواهد بود؟

بهتر است بدانید که قبلاً با انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، بعب بزرگ‌تر و قوی‌تری در نظام اداری و برنامهریزی کشور منفجر شده است که خدا می‌داند آثار تخریبی آن تا کجا ادامه خواهد داشت و چگونه می‌توان به جبران و بازسازی آن پرداخت. تعبیر آقای توکلی در مورد تصمیم اخیر هم تعبیر درستی به‌نظر می‌رسد. زیرا با این تصمیم آنچه در اثر ۳۰ سال تجربه و مطالعات کارشناسی و حدود ۱۵ سال برنامهریزی و بسته‌بندی حقوق شده بود در هم خواهد ریخت و به بزرگ‌تر شدن هرچه بیشتر دولت که یکی از معضلات کشور است، منجر خواهد شد و بخش خصوصی نیز همچنان آسیب بیشتری خواهد خورد.

■ چه ضرورتی می‌تواند منجر به اتخاذ چنین طرحی شش ماه قبل از پایان دوره یک دولت شود؟

به فرض اگر هم این تصمیم درست بود، به هیچ‌وجه در ماه‌های پایانی دولت نباید اجرا می‌شد زیرا تبعات خسارت‌بار و بعضاً جبران‌ناپذیر، به‌ویژه برای دولت بعد برجای خواهد گذاشت.

■ در گذشته استاندار‌ها را چنین مجوزی برای استخدام نیرو داشتند؟ روند استخدام نیرو بر چه اساس بود؟

در گذشته در راستای کوچک‌سازی دولت، از طریق مطالعات کارشناسی و برنامهریزی‌ها در راستای کاستن هرچه بیشتر استخدام دولتی و بستهای برای ایجاد اشتغال در بخش‌های خصوصی تلاش می‌شد. به همین دلیل به نرخ بیکاری در پایان دولت اصلاحات به کمتر از ۱۱ درصد رسیده بود. ولی در این دولت با وجود وعده‌های تکنرخی کردن نرخ بیکاری باز هم بیکاری افزایش یافته است. در دولت اصلاحات و دولت‌های قبلی کسی که در هفته حداقل دو روز، یعنی ۱۶ ساعت کار می‌کرد، شاغل محسوب می‌شد. اما در این دولت کسی که حداقل یک ساعت در هفته کار می‌کند را شاغل به حساب می‌آورند.

■ در هفته گذشته براساس تصمیم دولت، اختیارات رئیس‌جمهوری و وزرا به دو وزیر کشور و دادگستری و استانداران تفویض شده است که تمام تصمیمات اتخاذ شده توسط این هیات، به منزله مصوبه هیات دولت تلقی می‌شود و لازم‌الاجراست. صادق عابدین، استاندار فارس گفته این اقدام در راستای حذف فرآیندهای موازی و کوتاه کردن فرآیندهاست. آیا این تصمیم به منزله اختیارات بیشتر برای استانداران تلقی می‌شود؟ در گذشته چنین تصمیماتی سابقه داشته است؟

محتوای این تصمیم به هیچ‌وجه به‌منزله افزایش اختیارات نیست بلکه به عکس، به معنی تسریع اجباری و داوری برای اجرای یک تصمیم غیر کارشناسانه است، در گذشته نیز چنین اقدام‌هایی سابقه نداشته است. **■ به نظر شما با توجه به نزدیک شدن به پایان عمر دولت دهم امکان است تغییرات دیگری را در وزارت کشور و استانداری‌ها و فرمانداری‌ها شاهد باشیم؟**

با توجه به تجربه چند سال گذشته هر تغییر و اتفاقی امکان وقوع دارد.